

خرده‌فرهنگ رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در جنگ هشت‌ساله

کیومرث مولادوست^۱، سیدسعید آقایی^۲

چکیده

خرده‌فرهنگ‌ها موجب شناخت پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شوند. جبهه و دوران هشت‌ساله جنگ، از فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های مربوط به خود برخوردار بود که واکاوی این حوزه اهمیت فراوانی در به یادسپاری نسل جوان دارد. مطالعه حاضر از نظر هدف، کاربردی و ماهیت داده‌ها کیفی است که به روش توصیفی گردآوری شده است. هدف از این پژوهش، بررسی خرده‌فرهنگ رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در جنگ هشت‌ساله است. این مطالعه به مباحثی از قبیل؛ زبان (کنایه، اصطلاحات رایج و زبان‌های محلی رمز کننده اطلاعات)، شوخ‌طبعی، موسیقی‌های حماسی و دفاع مقدس و فرهنگ ایثار پرداخته است. خرده‌فرهنگ رزمندگان در جبهه‌های جنگ، رنگ‌مایه فرهنگ اسلامی و ایرانی داشت، فرهنگ ویژه‌ای در بخشی از تاریخ ایران به وجود آورده است. شناسایی خرده‌فرهنگ‌های موجود در جبهه‌های جنگ برای بررسی فرهنگ حاکم بر دفاع مقدس و همچنین برهه‌ای از تاریخ نیروهای مسلح بسیار مهم و ارزشمند است. ایثار و از خودگذشتگی رزمندگان در جنگ هشت‌ساله به‌عنوان یکی از خرده‌فرهنگ‌های موجود در رفتار رزمندگان بسیار مهم است که تبیین این شاخص‌ها برای الگوسازی و ایجاد نمادهای فرهنگی برای نسل جنگ‌ندیده در برابر تهاجم فرهنگی حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی

جنگ هشت‌ساله، خرده‌فرهنگ جبهه، رزمندگان، فرهنگ اسلامی و ایرانی، نظامیان دوران جنگ.

۱. دانشجوی کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی دانشگاه آزاد تهران مرکز (نویسنده مسئول).

moladoost@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

saeidaghae1396@gmail.com

مقدمه

❖ دوره جدید، شماره ۲ (پیاپی ۹)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

جوانان امروز، جنگ تحمیلی را ندیده‌اند و پس از پایان جنگ به دنیا آمده‌اند. دوران دفاع مقدس دوره‌ای از تاریخ ایران با ویژگی‌ها، رفتارها و سلوک خاصی بود که جوهرهٔ رزمندگان در عرصهٔ دفاع از ایران اسلامی در همهٔ عرصه‌ها به‌خصوص حفظ تمامیت ارضی کشور نمایان شد. هشت سال دفاع مقدس بخشی از تاریخ ایران زمین است که حاصل تلاش، مجاهدت، فداکاری، رنج، ایثار و از خودگذشتگی اقشار مختلف مردم به‌خصوص رزمندگان در خط مقدم جنگ است. این بخش از تاریخ و رزمندگان نقش‌آفرین رفتارهایی از خود بروز داده‌اند که ویژگی‌های فرهنگی مخصوص به خود شکل گرفته است و بعضاً این رفتارها در طول تاریخ جنگ‌ها قابل مشاهده نیست و منحصر به این دوره از تاریخ ایران زمین است.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید:

«ما جنگ را با آن زحمت انجام داده‌ایم، بهرهٔ معنوی جنگ را باید مردم ببرند، این هم مال یک سال و دو سال و ده سال نیست، مال یک قرن است؛ یعنی ما همچنان سرشکستگی قرارداد ترکمنچای را هنوز داریم حس می‌کنیم، باید پیروزی این جنگ را تا صد-دویست سال آینده حس کنیم؛ این نمی‌شود مگر با شکافتن ذره‌ذرهٔ سلول‌های این جنگ، این جنگ خیلی فوق‌العاده است، واقعاً فوق‌العاده است، هر ذره‌ذره‌اش را آدم برود بشکافد، در آن حرف‌ها و مطالب هست» (همشهری آنلاین، ۱۳۹۶).

واکاوی فرهنگ اقشار جامعه می‌تواند در شناخت بهتر یک جامعه و یا یک رفتار کمک کند. رزمندگان در طول جنگ هشت‌ساله، منش و رفتارهایی از خود نشان دادند که در قالب یک‌خرده‌فرهنگ قابل‌بررسی و واکاوی است. نشان دادن مکرر این رفتارها به نسل جوان امروزی باعث الگوپذیری و الگوسازی در جامعه می‌شود. خرده‌فرهنگ‌ها کارکردهایی را با خود به همراه دارند. یکی از کارکردهای آن‌ها را می‌توان به این شکل توضیح داد که حضور خرده‌فرهنگ‌ها نشانه مبارزه گروه‌های جامعه برای کسب مشروعیت نسبت به رفتار و شیوه‌های زندگی خود در برابر زمینه‌ای است که فرهنگ مسلط و عمومی جامعه ارائه می‌دهد که در بسیاری موارد می‌تواند مفید واقع شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۵). همچنین

خرده‌فرهنگ‌ها نقش مهمی در شناخت فرهنگ یک کشور دارند زیرا آگاهی از تاریخ یک قوم و حوادثی که در طول قرون و اعصار بر آن قوم گذشته را آشکار می‌سازند (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۴۹).

جبهه جامعه و گروهی است که افراد و اعضای آن از خانواده‌ها و شهرهای مختلف کشور به شکل موقت گردهم می‌آیند و تشکیل خانوار می‌دهند. سربازخانه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، زندان‌ها و اردوگاه‌های اسیران نیز از این‌گونه جوامع به شمار می‌آید که معمولاً اعضای آن‌ها با هم زندگی می‌کنند و تغذیه و پوشاک مشابهی دارند (شمشیر گرها، ۱۳۹۴: ۱۶۴). بیشتر در این خانوارها در کنار ضوابط و مقررات رسمی و مسلط جامعه رفتارها تعبیر و اصطلاحات شوخی‌ها و حتی ضابطه‌های خودبه‌خود به وجود می‌آید که خرده‌فرهنگ آن را تشکیل می‌دهد و چنانچه جامعه برای مدتی زیاد دوام یابد، آن رفتارها، تعبیر و ضابطه‌ها عمومیت و استقرار می‌یابد به‌گونه‌ای که اعضای تازه‌وارد نیز خواه‌ناخواه این خرده‌فرهنگ را پذیرا می‌شوند (فهیمی، ۱۳۸۱: ۸؛ روح‌الامینی، ۱۳۸۱: ۱۴۱). خرده‌فرهنگ جبهه نیز به دلایل متعددی نظیر تداوم نسبتاً طولانی و نیز ارتباطات عمیق عاطفی میان رزمندگان، توانسته است مؤلفه‌های زیادی را بین افراد خود گسترش دهد و استقلال بخشد (شمشیر گرها، ۱۳۹۴: ۱۶۴). آداب و رسوم جزء ذات فرهنگ به شمار می‌آید و در واقع فرهنگ در ذهن، حافظه و درک مردم جای دارد. مردمی با فرهنگ یکسان شباهت‌های زیادی به یکدیگر دارند، زیرا فهم و درک مشترکی از روش زندگی و نمادهای زندگی دارند و در واقع آهنگ و سبک زندگی آن‌ها یکسان است (جعفری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹). رزمندگان آداب و رسوم مربوط به خود را داشتند. آن‌ها رفتارهایی از خود بروز می‌دادند که نسل قبل از آن‌ها انجام نمی‌داد. فرهنگ شامل الگوهایی است آشکار و ناآشکار از رفتار و برای رفتار که به‌واسطه نمادها حاصل می‌شود و انتقال می‌یابد، نمادهایی که دستاوردهای متمایز گروه‌های انسانی و از جمله تجسم‌های آن‌ها را تشکیل می‌دهند. هسته اصلی فرهنگ شامل عقاید سنتی (نشئت‌گرفته و انتخاب‌شده در سیر تاریخ) و به‌خصوص ارزش‌های وابسته به آن‌هاست. نظام‌های فرهنگ را می‌توان از سویی فرآورده‌های عمل و از سویی دیگر مشروط‌کننده عناصر عمل بعدی تلقی کرد (گولد و کولب، ۱۳۷۶).

از منظر علامه طباطبایی، فرهنگ‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. ایشان معتقد است که نفس و روح انسانی، خوپذیر است و به تدریج خودش را با شرایط جدید سازگار می‌کند. این ویژگی در زمینه فرهنگ‌پذیری کاملاً مشهود است و انسان‌ها با قرار گرفتن در یک فرهنگ تازه، به تدریج با آن فرهنگ خو می‌گیرند (شرف‌الدین، ۱۳۹۳: ۱۵). فرهنگ مجموعه‌ای از اندوخته‌های معنوی یک قوم، شامل عناصر فکری، عقلی، اخلاقی و اجتماعی است که باروحی واحد، متعلق به مردمی یا ملتی است که صاحب آن فرهنگ هستند (مطهری، ۱۳۸۵ ب، ج ۶: ۴۰۷). عناصر این تعریف از فرهنگ، گویای رویکرد توصیفی و نگرش انسان‌شناسانه و مفهوم انتزاعی فرهنگ است. البته، این تلقی از فرهنگ در نظام فکری ایشان، تعریف عامی است که در آن، فرهنگ با هویتی مستقل به تعامل با دین می‌پردازد (یعقوبیان، ۱۳۹۴: ۷).

بر اساس تعریف روح‌الامینی اصطلاح خرده‌فرهنگ عبارت است: «از رفتار و کردار و گفتار گروه یا گروه‌های صنفی جنسی سنی منزلتی و شغلی که در کنار فرهنگ عمومی جامعه برای خود دارای ویژگی‌هایی هستند و خارج از گروه رواج و رونقی ندارم» (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۱۴۰)؛ بنابراین در تعریف او جبهه، جامعه و گروهی است که افراد و اعضای آن از «خانواده»های مختلف شهرهای کشور به طور موقت گرد آمده و تشکیل «خانوار» داده‌اند. سربازخانه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، مسافرت‌های دسته‌جمعی درازمدت، زندان‌ها، اردوگاه‌های اسیران و غیره از این‌گونه جامعه‌ها و خانوارها به شمار می‌آیند (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۱۴۱). روح‌الامینی نتیجه می‌گیرد که: «معمولاً اعضای این جامعه‌ها و خانوارها با هم زندگی می‌کنند، تغذیه مشترک و گاه پوشاک مشابهی دارند. در کنار ضوابط و مقررات رسمی و مسلط جامعه که همگان ملزم به رعایت آن هستند رفتارها، اصطلاحات، شوخی‌ها و حتی ضابطه‌هایی، به طور خودبه‌خودی به وجود می‌آید و در صورتی که آن جامعه برای مدتی نسبتاً زیاد دوام یابد، آن کلمه‌ها، رفتارها، شوخی‌ها و غیره عمومیت و استقرار می‌یابد. به طوری که افراد و اعضای تازه‌وارد به جامعه نیز خواه‌ناخواه، این خرده‌فرهنگ را پذیرا می‌شوند، این ویژگی‌ها و این «خرده‌فرهنگ» در آن فضای اجتماعی و فرهنگی معین معنی و اعتبار دارد و معمولاً با از هم پاشیدن آن «جامعه موقت» از بین می‌رود و تنها به صورت یک خاطره که آن‌هم

برای اعضای آن جامعه با معناست باقی می‌ماند و شاید بعضی از عنصرهای آن در خرده‌فرهنگ دیگری نیز وارد شود (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۴). بدین ترتیب و به باور روح‌الامینی دوران هشت‌ساله زندگی در «جامعه» و «خانوار» جبهه و وجود رویدادهای تلخ و شیرین، زیروم حادثه‌ها و طولانی بودن دوران جنگ تحمیلی زمینه‌ای را برای ایجاد خرده‌فرهنگی وسیع و عمیق فراهم ساخت (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۱۴۱)؛ که با پایان یافتن آن جنگ عمر این خرده‌فرهنگ نیز بالطبع به پایان رسید (صفایی‌فرد، ۱۳۹۰: ۵). از نظر روح‌الامینی فرهنگ جبهه، یکی از خرده‌فرهنگ‌های ایرانی به حساب می‌آید، ضمن این خرده‌فرهنگ موقت بوده و به زمانی در گذشته پایان یافته باز می‌گردد و اکنون چنان تغییر یافته که باید گفت جز خاطره‌ای از آن و برخی پیامدهای به‌جامانده، دیگر وجود خارجی ندارد. قبول خرده‌فرهنگی به نام جبهه ضمناً به معنای قشری صنفی و به‌طور کلی محدوده انسانی قرار دادن برای اعضای چنین خرده‌فرهنگی نیز هست (صفایی‌فرد، ۱۳۹۰: ۵).

خرده‌فرهنگ رزمندگان در جبهه‌های جنگ قابلیت بررسی را دارد. این خرده‌فرهنگ‌ها باید شناخته شوند، جمع‌آوری و گردآوری شوند و به نسل حاضر و آینده منتقل شوند. پرداختن به خرده‌فرهنگ‌های رزمندگان در شکافتن ذره‌ذره سلول‌های این جنگ، کمک مؤثری است. فرهنگ حاصل از دوران دفاع مقدس از جمله ره‌آورد‌های برجسته و شاخص گفتمان انقلاب اسلامی است که منشأ شکل‌گیری پدیده‌هایی از جنس ایثار، شهادت، مقاومت، بصیرت، وحدت، خودباوری، اقتدار و عزت بوده و هر یک از این مفاهیم بسترساز الگوهای فرهنگی، اجتماعی، دفاعی و سیاسی است (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۲).

امام خامنه‌ای نیز در اهمیت توجه به موضوع حماسه‌سازی رزمندگان اسلام خطاب به جوانان می‌فرماید:

«مواظب باشید از مسئله دفاع مقدس که در این کشور اتفاق

افتاد، غافل نشوید؛ کار بزرگی انجام گرفت. آن جوان‌ها مثل شماها

بودند؛ اکثر این جوان‌هایی که در جنگ نقش‌های مؤثر ایفا کردند،

از قبیل همین دانشجوها بودند و خیلی‌هایشان هم جزو نخبه‌ها

بودند. دلیل نخبه بودنشان هم این بود که یک جوان بیست‌ودو، سه

ساله فرمانده یک لشکر شد؛ آن‌چنان توانست آن لشکر را هدایت کند و آن‌چنان توانست طراحی عملیات را که هرگز نکرده بود، بکند که نه فقط دشمنانی را که مقابل ما بودند متعجب کرد، بلکه ماهواره‌های دشمنان را هم متعجب کرد.^۱

درجایی دیگر می‌فرمایند:

«فرهنگ شهادت یعنی فرهنگ ایثار و از خودگاشستگی برای اهداف بلندمدت و مشترک مردم و همه بشریت و این فرهنگ، درست در نقطه مقابل فرهنگ فردگرایی غربی است که همه‌چیز را برای خود و با محاسبه شخصی و مادی می‌سنجد. فرهنگ ایثار و شهادت در هر جامعه‌ای عمومی و فراگیر شود، آن جامعه به پیش خواهد رفت و هرگز در آن توقف و یا عقب‌گرد وجود نخواهد داشت.»^۲

فرهنگ ایثار و شهادت ارزش‌هایی را مطرح و نهادینه می‌سازد که در آن افراد یک جامعه به‌منظور تحقق خواست‌ها و اهداف الهی خود بر اساس ارزش‌های الهی حاضر به جان‌فشانی و حضور در صحنه‌های مجاهدت می‌شوند (صمدی و طریحی، ۱۳۹۵: ۵۴). از این رو یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کشوری قشر جوان است، بینش، آگاهی و طرز فکر، نگاه و روحیه جوانان کشور در تعیین قدرت دفاعی و همچنین راهبردهای آتی کشور مهم و حیاتی است. شناساندن آموزه‌های مبارزاتی یک نسل مقاومت و مبارزه برای رهایی سرزمین، دین، فرهنگ و سنت خود به نسل‌هایی است که دفاع مقدس را از نزدیک ندیده‌اند اما با تفکر و فرهنگ آن رشد و نمو کرده‌اند بسیار ارزشمند است. اهمیت این موضوع تا حدی است که رهبر معظم انقلاب فرمودند دفاع مقدس گنجینه‌ای است که دانش در آن نهفته و این نمایشگاه

۱. <https://farsi.khamenei.ir>

۱. پنجم مهرماه ۱۳۸۳.

۲. <https://farsi.khamenei.ir>

۲. ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۳.

گوشه‌ای از تلاش‌های دفاع مقدس است و استمرار این تلاش می‌تواند برای نسل جوان ما مؤثر باشد تا با دفاع مقدس ارتباط بهتری برقرار کنند.

فضای حاکم بر جبهه‌های جنگ، یک حریم خاصی داشت که متفاوت از سایر فضاها بود. «دری بود از درهای بهشت که برای اولیای خاص الهی باز شده بود.» مجموع این‌ها عالمی را پدید آورده بود که همه معادلات رایج را به هم ریخته بود و معادلات جدیدی بر آن جهان حاکم بود. بسیاری از امور خلاف عادت تبدیل به عادت شده بود و بسیاری از ساختارهای متداول شکسته شده بود و ساختارهای جدیدی جای آن‌را گرفته بود. از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری چنین فضایی لمس مرگ بود. سبکی از زندگی مدنظر است که افراد در آن هر لحظه خود را رفتنی از این دنیا می‌دانستند. نه فقط رفتنی می‌دانند که تمام شوقشان این بود که این در به روی آن‌ها باز شود و در این راه با هم مسابقه داشتند. در این مسابقه اموری نظیر؛ غیبت کردن، نماز شب نخواندن و غیره باعث عقب افتادن می‌شد (یکتا، ۱۳۹۰). سبک زندگی نظامیان در طول هشت سال دفاع مقدس خصوصیت مربوط به آن دوران را داشت. زندگی این دوران، تحت تأثیر دو فضای حاکم ناشی از فضای انقلاب و فضای جنگ بود. پرسش اساسی این است که نظامیان چه خرده‌فرهنگی در سبک زندگی خود داشتند؟ شناخت خرده‌فرهنگ نظامیان و انتقال آن به نسل آینده بسیار اهمیت دارد.

پیشینه پژوهش

دوران هشت سال دفاع مقدس، به‌عنوان نقطه عطفی در نمایاندن توان، شجاعت و استعداد بی‌نظیر جوانمردان و غیرت‌مندان ایران‌زمین به شمار می‌رود؛ در این دوران جامعه توانست با اتکای بر آموزه‌های دینی در این آزمون الهی، پیروزمند ظاهر شود. دستاوردهای دیرین تاریخ، مبین این واقعیت است که ایثار و شهادت به‌عنوان کارآمدترین عنصر فرهنگی در تأثیر بر فرآیندها و پدیده‌های اجتماعی تلقی می‌شود مقام معظم رهبری در سال ۱۳۶۸ فرمودند (صمدی و طریحی، ۱۳۹۵: ۵۴):

«یکی از بزرگ‌ترین خدمات انقلاب و امام به ملت و اسلام، احیای انگیزه

فداکاری در راه خدا چه در ایران و چه در سایر کشورهای اسلامی بود.»

اهمیت و جایگاه این ارزش‌ها که بنیان اصلی فرهنگ به‌گونه‌ای است که هر ملتی، هویت و حیات اجتماعی و سیاسی خود را در پابندی و احترام به آن‌ها و انتقال کامل آن به نسل‌های آینده می‌داند. فرهنگ ایثار و شهادت یکی از ارزش‌هایی است که هم‌زمان با تاریخ ایران شکل گرفته و همیشه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و از دیرباز، الهام‌دهنده مؤمنان و مسلمانان در مسیر تعالی آموزه‌های انسانی و الهی بوده است. هشت سال دفاع مقدس جزئی مهم از تاریخ ملت ایران و پاسداری و نشر فرهنگ دفاع و حماسه آفرینی‌های ایثارگران و لزوم توجه به گسترش آن در جامعه، از وظایف آحاد ملت است (نیک‌زاده، ۱۴۰۰).

در دنیای امروز ادبیات مقاومت و پایداری و دفاع از وطن از جایگاه خاصی، در بین ملت‌ها برخوردار است. از جمله حوادثی که بر ادبیات کودک و نوجوان تأثیر زیادی گذاشت، دفاع مقدس بود. بدون شک هر انقلاب و تحول اجتماعی بسترها و ساخت‌ها را در هر زمینه‌ای دچار تغییر می‌کند. شناساندن مؤلفه‌های مقاومت، ایثار، از خود گذشتگی و مفهوم دفاع از وطن از جمله مواردی بود که به ادبیات کودک راه پیدا کرد و زمینه را برای آموزش آن ایجاد نمود. ضرورت پرداختن به ادبیات دفاع مقدس از این جهت نیز مهم است که کودکان و نوجوانانی که جنگ را نزیسته‌اند اما با نسلی زندگی می‌کنند که درگیر جنگ بوده‌اند (کریمی حاجی خادمی، ۱۳۹۹).

امروزه یکی از وظایف مهم، انتقال فرهنگ دفاع مقدس به نسل جوان و کنونی و آینده است تا فرهنگ دفاع و شهادت به‌عنوان عناصر اصلی ماندگار باشند. دغدغه‌مند بودن در حوزه فرهنگ، به‌طور خاص مشمول فرهنگ دفاع مقدس نیز است. ترویج فرهنگ دفاع مقدس در دوران پس از دفاع مقدس و انتقال آن به نسل جوان بسیار مهم و حیاتی است. مطالعات معدودی در زمینه فرهنگ رزمندگان و موضوع مورد مطالعه وجود دارد، بنابراین این پژوهش در نوع خود تازه بوده و منحصر به فرد است. تحقیقات انجام‌شده در رابطه با خرده‌فرهنگ جبهه‌های جنگ بسیار اندک است، اما بسیاری از پژوهش‌ها به موضوع خرده‌فرهنگ اқشار مختلف جامعه از جمله دانشجویان، دانش‌آموزان، نوجوان، جوانان، دختران و زنان، بزهکاران و غیره پرداخته‌اند. در جدول شماره ۱ به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شوند.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

نویسندگان روش استفاده‌شده	اهداف و سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
میرزایی و همکاران، (۱۳۹۰) تحلیل محتوی کمی	هدف بررسی خرده‌فرهنگ جوانان ایران در محتوی اشعار موسیقی پاپ است.	در این تحقیق محتوی ۷۰ شعر در آلبوم‌های ۱۰ خواننده موردبررسی قرار گرفت که ۴۵٫۸۳ درصد مفاهیم (۲۳۱ مورد) مربوط به جنسیت و ۵۴٫۱۶ درصد (۲۷۳ مورد) مربوط به انفعال جوانان بود. از بین مفاهیم مطرح‌شده در محتوی اشعار موسیقی پاپ بیشترین درصد مربوط به وصف یار و دیدار عاشقانه ۱۷٫۵۸ درصد (۴۸ مورد) بود. آنچه از یافته‌های این پژوهش مشهود است ۵۴٫۱۶ درصد (۲۷۳ مورد) از مفاهیم مطرح‌شده در محتوی اشعار به مفاهیمی اختصاص دارد که نشان از انفعال، بی‌ارادگی و وادادگی جوان دارد. خرده‌فرهنگ جوانان برگرفته از موسیقی پاپ نشان از انفعال، بی‌ارادگی و وادادگی جوانان دارد. پیشنهاد می‌گردد مسئولین و برنامه‌ریزان فرهنگ و نظارت بر موسیقی به‌ویژه پاپ به این مهم توجه داشته باشند و با نظارت بیشتری بر اشعار و محتوی موسیقی در راستای غنی‌تر کردن آن همگام با آموزه‌های دینی اقدام نمایند.
شمشیر گرها (۱۳۹۴) توصیفی-تحلیلی	هدف تأکید بر ضرورت توجه، شناخت و حتی بازشناسی مقولات فرهنگی هشت سال جنگ تحمیلی/ دفاع مقدس است.	مهم‌ترین و فراگیرترین نمود فرهنگ گفتاری جبهه را می‌توان در سطح واژگانی کلام دانست. بخشی از اصطلاحات، تعبیر و اعلام این فرهنگ در جلد اول فرهنگ‌نامه جبهه گردآوری شده که در این نوشتار پس از بیان مختصری درباره گونه‌های زبان فارسی و گونه رایج در فرهنگ جبهه، به برخی شواهد آن اشاره شده است. طنز و مطایبه، بن مایه غالب وضع اصطلاحات در گونه زبانی جبهه است. این‌گونه پس از پایان جنگ و رنگ باختن تدریجی فرهنگ جبهه تا حد زیادی کاربرد و رواج خود را از دست داده است.
رجبلو و علیخانی، (۱۳۹۴) تحلیل گفتمان و الگوی تحلیلی فرکلاف	کارکرد گفتار عامیانه در خرده‌فرهنگ جوانان به چه صورت است؟	گفتار عامیانه در خرده‌فرهنگ جوانان به‌گونه‌ای یکدست و مشابه به کار نمی‌رود. بلکه با توجه به فضای اجتماعی کاربرد آن، شکل‌های متفاوت می‌یابد، این زبان به‌عنوان زبانی کارناوالی، نظم مسلط، هنجارها و نهادهای اجتماعی آن را به چالش می‌کشد و با تمرکز بر لذتی کاتالی، در برابر ارزش‌ها و

<p>هنجارهای ایدئولوژیک مسلط به شکلی پنهان مقاومت می‌ورزد. این مقاومت با صبغه کارناوالی خود، به‌گونه‌ای متفاوت در فضای فرهنگی پایین‌شهر و بالای شهر و در حوزه‌های ارزشی و ایدئولوژیکی متفاوتی از گفتمان مسلط، به منصف ظهور می‌رسد.</p>		
<p>بین میزان مصرف رسانه‌های دانش آموزان و نگرش مثبت آنان نسبت به فرهنگ اینار و شهادت رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که هرقد که میزان مصرف رسانه‌های افراد بالاتر می‌رود نگرش مثبت آنان به فرهنگ اینار و شهادت پایین می‌آید.</p>	<p>هدف اصلی تعیین رابطه بین مصرف رسانه‌های نوجوانان و نگرش آنان به فرهنگ اینار و شهادت است.</p>	<p>صمدی و طریحی، (۱۳۹۵) توصیفی و تحلیلی</p>
<p>به لحاظ آسیب‌شناختی ترویج فرهنگ دفاع مقدس به لحاظ محتوایی، عملکردی و ساختاری قابل‌تحلیل و بررسی است و به لحاظ راهبردی نیز ترویج در ابعاد نگرشی، رفتاری و ساختاری قابل‌توجه است. در پایان به‌عنوان پیشنهاد نهایی، تشکیل قرارگاه‌های فرهنگی موردتوجه قرار گرفته است.</p>	<p>الگوها یا روش‌های ترویج فرهنگ دفاع مقدس تاکنون، چه آسیب‌هایی داشته است؟</p>	<p>ایزدی و همکاران، (۱۳۹۶) کیفی - داده بنیاد</p>
<p>مجموعه سازمان سلامت کشور در شروع و ادامه جنگ، با تمام توان و تلاش، حماسه‌ای ماندگار از حضور نقش‌آفرین و اینارگرانه خلق کردند. ابعاد این حضور حماسی به‌طور خلاصه و در بیست محور و به ترتیب تنظیم‌شده در ویراست نخست «درسنامه آشنایی بافرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس، ویژه دانشجویان علوم پزشکی» ارائه شده است.</p>	<p>شناساندن حضور مسئولانه، داوطلبانه، همه‌جانبه، حماسی، معنوی و اینارگرانه جامعه پزشکی</p>	<p>اباسهل و سایر همکاران، (۱۳۹۷) مصاحبه‌های تاریخ شفاهی و بحث متمرکز گروه</p>
<p>عوامل مؤثر بر انسجام فرهنگی رزمندگان عواملی همچون شهادت‌طلبی، شجاعت، عشق به ائمه علی‌الخصوص امام حسین^(ع) صبر و استقامت، توجه به رضای خدا، التزام به امربه‌معروف و نهی از منکر و اعتقاد به تفکر بسیجی است</p>	<p>هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر انسجام فرهنگی رزمندگان در دوران دفاع مقدس بود.</p>	<p>صفری و امیرنژاد، (۱۳۹۹) کیفی - اکتشافی</p>

مبانی نظری پژوهش

طبقات، قشرها و گروه‌های مختلف جامعه علاوه بر فرهنگ کلی حاکم بر جامعه، دارای فرهنگ ویژه خود هستند که ریزفرهنگ یا خرده‌فرهنگ گفته می‌شود (سازگارا، ۱۳۷۷: ۹۸-)

۹۹). خرده‌فرهنگ در واقع به فرهنگ عمومی یا نظام فرهنگی جامعه به خاطر ارتباط با نهادهای سنتی طبقه متوسط و پذیرش بسیاری از هنجارهای آن وابسته است. ولی از آنجاکه هر خرده‌فرهنگ هنجارهای ویژه خودش را نیز داراست، از فرهنگ بزرگ‌تر تمایز می‌یابد (کوئن، ۱۳۸۵: ۴۳). به‌عنوان مثال ویژگی‌های مردم یک استان از لحاظ گویش، آداب و رسوم، نحوه پوشش، مهمان‌نوازی، ازدواج و نظایر این فرهنگ‌ها آن‌ها را از سایر فرهنگ‌ها مشخص و متمایز می‌کند. این فرهنگ ویژه را خرده‌فرهنگ آن استان می‌گوییم درحالی‌که جزئی از فرهنگ کشور تلقی می‌شود (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۴۹). طبقات اجتماعی به لحاظ ویژگی‌های زیر تولیدکننده خرده‌فرهنگ‌های خاص خودشان هستند (خالدی، ۱۳۹۳):

۱. از لحاظ درآمد، شغل، تحصیل، پرستیژ اجتماعی، نحوه سخن گفتن، آداب اجتماعی و حتی محل اقامت؛

۲. شیوه‌های ازدواج و همسرگزینی، نگهداری از فرزند و الگوهای زندگی خانوادگی؛

۳. گذراندن اوقات فراغت در طبقات مختلف اجتماعی؛ مانند تحصیل کرده‌ها و یا بی‌سوادان با رجحان برنامه‌ای که در اوقات فراغت خود دارند، خرده‌فرهنگ خاص خود را می‌آفرینند؛

۴. عقاید، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های اخلاقی، دینی، سیاسی و ایدئولوژی‌های متناسب با هر طبقه به تناسب، خرده‌فرهنگ خاص خود را ایجاد می‌کند.

بریک^۱ (۱۹۸۵) جامعه‌شناس انگلیسی، خرده‌فرهنگ‌ها را واکنشی تاریخی به مدهای فرهنگی دانسته و شکل‌گیری آن‌ها را ناشی از تلاش هر نسل برای حل مسائل ساختی می‌داند که اعضای آن نسل، به‌طور دسته‌جمعی تجربه می‌کنند. تفسیرها و تبیین‌های داده‌شده در خصوص زمینه‌های شکل‌گیری خرده‌فرهنگ که عموماً با ویژگی‌های جوانی و فرهنگ جوان همبسته دانسته می‌شوند، متفاوت هستند. اگرچه رفتارهای خرده‌فرهنگی را می‌توان به گروه‌های مختلف اجتماعی و برحسب وضعیت ویژگی‌هایی مانند جنسیت، شغل، نژاد، سن و دیگر مشخصه‌های هویت فردی و اجتماعی تفکیک کرد، با این حال با توجه به تنوع، اهمیت و

سرعت تغییرات فرهنگ و در نتیجه خرده فرهنگ جوانان و اهمیت بیشتر جمعیتی، سیاسی و فرهنگی گروه جوان در ساختن و بازآفرینی الگوهای خرده فرهنگی، تأکید بر جوانان است (ذکایی، ۱۳۸۱: ۲۰).

خرده فرهنگ به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و گرایش‌های یک اقلیت درون جامعه، تعریف می‌شود. اوسولیوان و همکاران، (۱۳۸۵) در تعریفی دیگر، خرده فرهنگ را به موقعیت‌های خاص و ناهمخوانی‌ها و تناقض‌هایی که گروه‌ها در چارچوب ساختارهای اجتماعی و تاریخی کلی‌تر با آن‌ها مواجه‌اند، اطلاق نموده‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰). خرده فرهنگ‌ها را می‌توان «نظام‌های معنایی و شیوه‌هایی برای ابراز وجود دانست که گروه‌های مختلف در تلاش جمعی برای برخورد با تناقضات در وضعیت مشترک خویش آن‌را به وجود می‌آورد» (Brake, 1985: 27) و خود را عموماً در انتخاب سبک خاصی از پوشش، اوزگان و زبان خاص و نوع خاصی از موسیقی متجلی می‌سازد از این دیدگاه، شرایط ساختاری جامعه، به‌خصوص تناقضاتی که اغلب در چارچوب روابط طبقاتی تجربه می‌شوند، سازنده خرده فرهنگ‌ها دانسته می‌شوند. خرده فرهنگ‌ها با وجود تفاوت‌هایی که با فرهنگ عمومی جامعه دارند، در عناصری از آن (که اصطلاحاً فرهنگ متعلق به والدین خوانده می‌شود)، سهم هستند. زمینه‌هایی مثل خاستگاه قومی، محل سکونت، تعلقات دینی و متغیرهای مشابه نیز بر شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها سهم هستند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۲۰).

شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها عموماً با توسل به مفهوم «طبقه» نظریه‌پردازی شده است؛ اما معمولاً سازوکار تأثیر طبقه در سنت‌های آکادمیک مطالعه خرده فرهنگ به گونه‌ای متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. برای نظریه‌پردازان خرده فرهنگی آمریکایی و به‌ویژه کارکردگرایان چون پارسونز (۱۹۶۴)، مرتون و ایزنشتات^۱ و محققان حوزه «مکتب شیکاگو»، خرده فرهنگ حاصل تعامل فرهنگ طبقات پایین و نظام مسلط اجتماعی و فرهنگی است. در حالی که محققان بریتانیایی و به‌خصوص نظریه‌پردازان «مکتب فرهنگی بیرمنگهام»، خرده فرهنگ را

حاصل دیالکتیک بین نظام مسلط سرمایه‌داری و فرهنگ طبقات کارگر تعریف می‌کردند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۲۰).

خرده‌فرهنگ‌ها تلاش می‌کنند مسائل جمعی را حل کنند و هویت‌های جمعی و فردی بیافرینند؛ بنابراین، تجربیات و برداشت‌های جایگزین از واقعیت اجتماعی ارائه می‌دهند و از فعالیت‌های اعضایشان پشتیبانی می‌کنند. برای بیشتر پژوهشگران مطالعات فرهنگی، سبک‌ها و نمادهای فرهنگی که خرده‌فرهنگ‌ها از طریق آن‌ها خودشان را ابراز می‌کنند، بیانگر یک تناسب یا همگونی بین موقعیت ساختاری گروه در نظم اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی اعضای خرده‌فرهنگ است؛ بنابراین عناصر ویژه خرده‌فرهنگی به صورتی موازی، سبک، نگرانی‌های رایج، نگرش‌ها و احساسات گروه را منعکس می‌کنند (Barker, 2004: 193).

شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها کارکردهای را به دنبال دارد. حضور خرده‌فرهنگ‌ها نشانه مبارزه گروه‌های جامعه برای کسب مشروعیت نسبت به رفتار و شیوه‌های زندگی خود در برابر زمینه‌ای است که فرهنگ مسلط و عمومی جامعه نمایان می‌سازد. استانی کوهن، از نظریه‌پردازان مکتبی بیرمگهام، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها را «تلاش ایدئولوژیکی برای حل جادویی مشکلات در روابط واقعی می‌داند که افراد به صورت دیگر قادر به رفع آن نیستند» (Cohen, 1972: 22). تعامل این خرده‌فرهنگ‌ها با نظام اجتماعی، بر اهمیت آن‌ها افزوده و به آن‌ها خصلتی برجسته و نمایشی‌تر داده است. رفتار خرده‌فرهنگی راه‌حلی است که اعضای جامعه برای رویارویی با مسائل و مشکلات ساختاری جامعه به آن متوسل می‌شوند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۲۱).

بررسی خرده‌فرهنگ رزمندگان هشت سال دفاع مقدس و شناسایی شاخصه‌های آن برای انتقال به نسل آینده و ثبت تاریخ‌نگاری موضوع بسیار مهم و حائز اهمیت است. واکاوی خرده‌فرهنگ موجب انتقال و بازنشر آن در جامعه برای الگوسازی می‌شود، از این رو پرداختن به خرده‌فرهنگ نظامیان در جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران بسیار ضروری است.

روش پژوهش

روش‌های گردآوری داده‌ها در پژوهش کیفی از طریق مطالعه اسناد و مدارک است. از آنجایی که روش تحقیق کیفی به دنبال مطالعه کلی، مفهومی و تفسیر رفتارها است که بدون مداخله و تصرف انجام می‌شود. فرایند اکتشاف، توصیف و تبیین موضوع مورد مطالعه در پژوهش پیش‌رو با مطالعه مدارک و اسنادی است.

این مقاله به بررسی رفتارها، ارزش‌ها و هنجارهای رایج در جبهه‌های جنگ می‌پردازد. در این مطالعه در گام نخست داده‌ها گردآوری و به تبیین موضوع و اهمیت آن پرداخته می‌شود. در مرحله بعدی به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز عمدتاً به اسناد و مدارک و ادراک و تحلیل عقلانی متکی است. البته در این مطالعه، محققین از داده‌های ثانویه استفاده کرده‌اند. داده‌های ثانویه از مقالات تحقیقی، مطالب چاپ‌شده، وب سایت‌های آنلاین، وبلاگ‌های مرتبط و گزارش‌های منتشرشده مختلف جمع‌آوری شده است.

یافته‌های پژوهش

۱. زبان

۱-۱. کنایه

در محیط نظامی و درعین حال معنوی جبهه‌های نبرد ایران و عراق در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، به‌موجب وضعیت خاص آن و حاکم بودن روحیه انقلابی و دفاع از ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در میدان‌گاه آرام و گاه پر تب و تاب دفاع مقدس، زمینه استفاده از هنر و ادبیات و توجه به کارکردهای ادبی زبان گفتار و نوشتار در تمام ابعاد و صحنه‌های دفاع، فراهم بود و به همین سبب موجبات به‌کارگیری سرمایه ادبی موجود و نیز آفرینش و خلاقیت ادبی و پیدایش شعرها یا شعرگونه‌ها، نوشته‌های ادبی، معناسازی، اصطلاحات و ترکیبات فراوانی با مبنای ادبی فراهم گشت و باعث بروز ذوق ادبی رزمندگان در بسیاری از عرصه‌های دفاع گردید. در این میان پرداختن به صور خیال و ازجمله کنایه سهم زیادی داشته است (غفوری و حبیبی، ۱۳۹۵). برخی از این کنایه‌ها در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول ۲. برخی از کنایه‌های رایج در جبهه‌های جنگ

توضیحات	ریشه کنایه	جملات متداول
--	دیدن پشت گوش	اگر صدام پشت گوشش را دید، پشت ما را هم می‌بیند!
در معنای خواهشی و کنایه از طلب کمک کردن	دست مرا بگیر	دست مرا بگیر برای شهادت
این جمله کنایه از این است که عامل اصلی این جنگ آمریکا و صدام واسطه‌ای برای رسیدن آمریکا به خواست و اهداف خود است.	دست کسی از آستین دیگری بیرون آمد	این دست آمریکاست که از آستین صدام بیرون آمده است.
	قضا شدن نماز صبح	آب طلائی یا لب‌طلائی شدن نماز
کنایه از تقدس داشتن آنجا و درخواست رعایت حرمت آن	درخواست وارد شدن با وضو به برخی جاها	بی‌وضو وارد نشوید؛ در هر جا لاله‌ای خفته است.
این کنایه که کمتر در کتب و نوشته‌ها به کار می‌رود، گاهی در فرهنگ‌عامه به‌ویژه جوانان نیز شنیده می‌شود.	کشته شدن	توقف ممنوع! شکلات پیچت می‌کنند!
--	کنایه از محاسن (ریش) گذاشتن	استتار کردن
--	کنایه از منع بدگویی و غیبت کردن	بحث سیاسی ممنوع!
مأخذ: غفوری و حبیبی، ۱۳۹۵		

۱-۲. اصطلاحات رایج

یکی از شاخص‌های مهم خرده‌فرهنگ متداول در جبهه، زبان رایج بین انسان‌های جنگ بود که اشتراکات میان آنان نظیر فرهنگ ملی و محلی، باورهای دینی و مذهبی، تشابه محیط زندگی و روابط اجتماعی عمیق سبب شد با وجود داشتن فرهنگ‌های مختلف که حاصل تفاوت‌های اقلیمی و غیره است، زبان آن‌ها به سمت یک‌رنگی و گونه‌های مشخص به نام گونه زبانی جبهه پیش رود (شمشیر گرها، ۱۳۹۴: ۱۶۵). برخی از اصطلاحات رایج بین رزمندگان در دوران جنگ هشت‌ساله در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳. لغات و اصطلاحات رایج رزمندگان در جنگ تحمیلی

لغات یا عبارات	معانی	توضیحات تکمیلی
آب اروند	آبگوشت	مربوط به جغرافیا
آب‌جو اسلامی	آب معدنی، ماء‌الشعیر	مربوط به فقه
آب حوض کوثر	آب نوشیدنی که تانکرهای سیار توزیع می‌کردند.	مربوط به روایات اهل بیت
آب‌دزدک	نیروی غواص آموزشی	مربوط به جانوران
آب رشته	آش رشته	مربوط به غذا و نوشیدنی
آب زیر کار	غواص و نیروی عملیاتی که زیر آب کار می‌کرد و با تیزهوشی و فرذاست بسیاری، باید کارش را از نگاه دشمن پوشیده نگاه می‌داشت تا سایر نیروها بتوانند به موقع وارد عمل شوند.	برای تشویق؛ تصرفی در اصطلاح آب زیر کاه
آجر	پنیر مانده، خشک شده و از دهن افتاده	برای اعتراض
آرپی‌چی زن سفره	فردی که لقمه‌های بزرگ می‌گرفت و غذا را نجویده می‌بلعید.	مربوط به جنگ و ادوات نظامی
آسایشگاه سالمندان	تدارکات گردان و لشکر	مربوط به زندگی پشت جبهه؛ اشاره‌ای به مسئولان تدارکات واحدها که معمولاً از بین رزمندگان مسن انتخاب می‌شدند.
آش چهل گیاه	آش پرسبزی و بدون گوشت و مخلفات	مربوط به غذا و نوشیدنی
ابابیل	گلوله‌هایی که رزمندگان به سوی مزدوران بعثی پرتاب می‌کردند؛ هواپیمای خودی که با امدادی غیبی و پشتیبانی حق، مواضع دشمن را بمباران می‌کردند.	مربوط به تاریخ اسلام
اف چهارده	نوعی مگس و پشه در منطقه	مربوط به جنگ و ادوات نظامی
اخوی	برادر	استفاده شده در مواجهه با افراد مختلف اعم از آشنا و ناشناس
اسب زورو	ماشین فرمانده گردان	مربوط به تلویزیون
اشله	شل و ول؛ نامنظم و بی مسئولیت	اصطلاح مازندرانی

از غزوه خندق کمک‌نیزه‌انداز حضرت بودن	نیروی قدیمی جبهه و جنگ بودن	مربوط به تاریخ اسلام
بوکوی	خمپاره	اصطلاح اصفهانی
بهار پمپ	لقبی برای فردی به نام بهارلو مسئول پمپاژ آب	
بیت‌المعاصی	تهران	مربوط به روایات اهل بیت
بیت‌الحال	بیت‌المال	مربوط به روایات اهل بیت
پاپلوکردن	شهید یا زخمی شدن	اصطلاح بوشهری
پرده سینما	شورت پارچه‌بلند جبهه‌ای	مربوط به سینما
پسران عمروبن‌عبدود	سربازان عراقی	مربوط به تاریخ اسلام
پیچ مرگ	اصطلاحی که برای دوازده پیچ جاده‌ای مختلف به کار برده شده است.	
ترکش ابوالفضل	ترکشی که موجب قطع دو دست از بدن می‌شود.	مربوط به اهل بیت
تنگه رستم	تنگه‌ای فوق‌العاده صعب‌العبور	مربوط به اساطیر
جوجه‌های روی تخم خوابیده	نیروهای آماده در نقطه‌ای برای انجام عملیات، تعبیری بود به صورت کد در مکالمه‌های بی‌سیم	مربوط به جانوران
جگر سیخی یک‌میلیونی	آدم بسیار ترس و شجاع	برای تکریم
جیش الوحشی	جیش‌الشعبی؛ نیروهای دشمن یعنی با ادعای مردمی بودن	مربوط به دشمن
چهل و یکمی را هم قبول داشتن	در قنوت نماز شب جزو چهل مؤمن و اگر نشد چهل و یکمی به یاد آمدن. گفته می‌شد: «ما چهل و یکمیش رو هم قبول داریم!»	مربوط به مذهب
حاج عرب	نیروهای عراقی	مربوط به دشمن
حاجی گلابی	لقبی برای مرد مسنی که وظیفه گلاب‌پاشیدن به بچه‌ها را در منطقه برعهده داشته است.	مربوط به امکانات خدماتی

مربوط به آداب و رسوم	مسنول فروشگاه صلواتی	حاجی صلواتی
مربوط به تاریخ؛ نسبتی از باب مطایبه که به فردی که سخنش بوی جلوه‌گری می‌داد، می‌گفتند.	فرد از خودراضی	حبیب‌بن‌تظاهر
مربوط به آداب و رسوم	تیربارچی و قناصه‌چی دشمن با موهای مجعد که ویژگی بیشتر عراقی‌ها بود.	حسین فری
مربوط به مذهب	به فوز عظیم شهادت رسیدن	حسینی شدن
مربوط به فرهنگ عامه	حمام، اصلاح و نظافت نزدیک عملیات	حمام دامادی
با استعمال نظامی	حمله برق‌آسا	حمله‌الله‌اکبری
مربوط به تاریخ	جوانی تازه‌داماد که ترک خواب و خلوت کرده و بلافاصله پس از ازدواج راهی جبهه شده است.	حفظله
	تانک	خرچنگ
مربوط به فرهنگ عامه؛ کد رمز در مکالمات بی‌سیم	آمبولانس	خر حاج ملک
--	اظهار تشنگی و طلب آب	خوش به حال ماهی
مربوط به دانشگاه	به شهادت و فوز عظیم رسیدن	دانشگاه امام حسین (ع) پذیرفته شدن
--	مهمات سنگین	دانه / لانه
مربوط به جراحی و مصدومیت؛ اصطلاح ترکی به معنای «تاول زد»	ترکش خوردن	داوار اولدی
مربوط به ورزش	در عملیات مرصاد شهید شدن	در وقت اضافه خود را جا دادن
--	مجروح	دست دوم
مربوط به جنگ و ادوات نظامی	دسته‌ای که بیشتر نیروهای آن کم‌سن‌وسال و کوچک بودند.	دسته‌علی‌اصغر
مربوط به جغرافیا	دستشویی و توالت صحرايي اينجاوانجا	سافرانسیسکو
مربوط به قرآن؛ معمول بودن خواندن سوره‌العصر در آخر سخنرانی‌ها و جلسه‌های توجیهی که پس از قرائت آن، به افراد آماده‌باش می‌دادند و آن‌ها	سورة والعصر	سورة جیم

به محض شنیدن آن رو به هم می‌کردند و می‌گفتند: سورهٔ جیم؛ «جیم‌فنگ» هم می‌گفتند.		
مربوط به قرآن	سیگار کشیدن در خفا و دور از چشم جمع	سورهٔ دخان تلاوت کردن
--	اصطلاحی که برای پانزده سهراهی مختلف به‌کاربرده شده است.	سهراهی مرگ
مواد شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو	ش. م. ر	شمر
--	۱. دوشکا، ۲. غواص، ۳. تک‌تیرانداز، ۴. تفنگ ۱۰۶، ۵. پتو	صدا خفه کن
مربوط به زندگی پشت جبهه	عکسی زیبا و باکیفیت برای وقت شهادت و قرار دادن آن در حجله‌های مرسوم در مراسم و سرگذر محله‌ها	عکس حجله‌ای
مربوط به غذا و نوشیدنی	غذای آبکی	غذای دریایی
مربوط به دانشگاه	شهید	فارغ‌التحصیل
مربوط به تلویزیون	حشرات	فک و فامیل‌های هاج
مربوط به ورزش؛ وقتی کسی به بیماری اسهال مبتلا می‌شد و به بهداری مراجعه می‌کرد، کشیک بهداری که معمولاً از خود رزمندگان بود، به او می‌گفت: اس‌استه یعنی اسهال داری؟ و او جواب می‌داد: نه قرمزته	اسهال خونی داشتن	قرمزته
برای تضعیف و تحقیر	مستراح فرماندهان و محل قضای حاجت مسئولان	کاخ سفید
مربوط به تلویزیون	صحبت کردن با زبان فارسی و بدون لهجه در مقابل کانال دو و سه	کانال یک
مربوط به جراحی و مصدومیت	مجروح شدن و در حال انتقال به عقب	کمپوت‌خور شدن
مربوط به سینما؛ اشاره‌ای به پلیسی بودن نوع کارهای این واحد	حفاظت اطلاعات	کمیسر متهم می‌کند
--	موقعیتی در منطقهٔ فاو که بیشتر نیروهای مستقر در آن کم‌سن‌وسال بودند و وضع	کودکستان

	رفاهی، دفاعی و تدارکاتی این منطقه مناسب بوده است.	
اصطلاح ترکی به معنای «الاغ»	هوایمای عراقی	گراغ
--	لشکر علی‌ابن‌ابی‌طالب که در سال ۱۳۶۵ از نظر تدارکاتی مناسب نبوده است.	لشکر علی گدا
برای تذکر	بیت‌المال	مال پنجاه میلیون پیرزن
--	مجروح	مرخص
مربوط به دشمن	توالت و دستشویی	موقعیت مرگ بر صدام
--	۱. کنسر بادمجان و گوجه ۲. موش‌های داخل سنگر در خط مقدم	مین ضد نفر
مربوط به اساطیر	رزمندگان اعزامی از سیستان و بلوچستان؛ نیروهای متهور و جنگجوی این خطه که کم‌توقع نیز بودند.	نبیره رستم
مربوط به فقه	کسی که تازه از امور مالی برگشته و پولدار بود.	واجب الحج
--	پادگان ابوذر (واقع در سر پل ذهاب) که نیروهای آن رفاهی نسبی داشتند.	هتل ابوذر
مربوط به امکانات خدماتی	نقاطی از جبهه و منطقه که بسیار تمیز و پاکیزه بوده‌اند.	هتل الوارثین
مربوط به اهل بیت	آب‌آب کردن رادیاتور؛ جوش آوردن آب رادیاتور	یا حسین کردن رادیاتور

مأخذ: شمشیر گرها، ۱۳۹۴: ۱۷۵-۱۶۹

۱-۳. زبان‌های محلی رمزکننده اطلاعات

ایران کشوری با تنوع قومیتی و فرهنگ‌های متنوع و با گویش متفاوت است. وجود زبان‌های رایج در میان اقوام گوناگون ساکن در ایران‌زمین، به‌نوبه خود یکی از جاذبه‌های فرهنگی به‌حساب می‌آید. در این میان زبان تاتی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین زبان‌های باستانی جایگاه ویژه‌ای از دیدگاه زبان‌شناسان دارد. این زبان که روزگاری دامنه گستره آن از آذربایجان تا شمال خراسان کشیده شده بود، امروزه محدود به مرکزیت در بخش‌هایی از استان قزوین و البرز است. اگرچه در سایر نواحی و استان‌ها نیز به‌صورت پراکنده وجود دارد و ساکنان آن هنوز به این زبان صحبت می‌کنند. طی سالیان متمادی شاهد اتحاد و همبستگی اقوام مختلف ایرانی نظیر ترک، کرد، لر، بلوچ و غیره در ادوار مختلف تاریخی بوده‌ایم و هر جا که به کمک و یاری آن‌ها نیاز بوده در صحنه حضور یافته و با شور و صف‌ناپذیری در کنار هم به حفظ ارزش‌های مشترک پرداخته‌اند. اوج شکوه و جلوه این همبستگی را در دوران هشت سال دفاع مقدس شاهد بودیم. زمانی که از هر گوشه ایران رزمندگان به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام می‌شدند و با حضور پرشور در کنار یکدیگر به خلق حماسه‌های ماندگار می‌پرداختند، تلفیق شنیدنی زبان‌ها و لهجه‌ها بیشتر از هر چیز دیگری خودنمایی می‌کرد. در واقع زبان تاتی نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی در پیروزی اطلاعاتی ایران در جنگ ایفا کرد. زمانی که ضداطلاعات عراق با شنود و ترجمه مکالمات بی‌سیم‌چی‌ها با تمام زبان‌های رایج در اقوام ایرانی متوجه تحرک‌ها و برنامه‌های عملیاتی نیروهای نظامی ایران می‌شدند، زبان تاتی به‌عنوان ناجی و راهگشا، ابتکار عمل را به‌دست گرفته و با استقرار نیروهای مسلط به زبان تاتی در دو طرف بی‌سیم‌ها موفق به بی‌اثر کردن این حربه دشمن شدند. به‌گونه‌ای که تا پایان جنگ، ارتش عراق و هیچ‌یک از هم‌پیمانانش موفق به رمزگشایی مکالمات اطلاعاتی و عملیاتی ایران نشدند (محمدی، ۱۳۹۹).

۲. شوخ طبعی

شوخی^۱ و شوخ طبع^۲ بودن نیز یکی از موضوعات روان‌شناسی مثبت‌نگر است که شایسته است به‌عنوان نوعی توانمندی شخصی در پیشگیری مورد توجه قرار گیرد. شوخی یک پدیده جهانی است که در همه جوامع و فرهنگ‌ها با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای خاص آن جوامع با اهداف و موضوعات مختلف وجود دارد. شوخی بخشی از تعاملات روزمره زندگی اجتماعی ما را تشکیل می‌دهد و پدیده‌ای است که به‌طور ذاتی اجتماعی است، زیرا متشکل از حداقل یک ایجادکننده و یک شنونده است (جهانگیری، ۱۳۸۸).

شوخ طبعی، درد جسمی و ذهنی را کاهش می‌دهد (Beg, 1996; Berry, 2004) و پیامدهای مثبتی در بردارد که از آن میان می‌توان به خشنودی، رضامندی، سازگاری با ناتوانی‌های جسمی، خرسندی از زندگی، مقابله با استرس و محافظت شخص در برابر بیماری‌هایی مثل سرطان و جلوگیری از خودکشی اشاره کرد (Martin et al, 2003; Erickson & Feldstein, 2006; Friel, 2004). شوخ طبعی با آزادسازی هیجان‌ها بدون فشار روانی و اثرات منفی بر دیگران، به افراد کمک می‌کند تا بر آنچه آسیب‌زا است، غلبه نمایند (Reff, 2006) و فاصله اجتماعی میان فردی را کاهش و به آن‌ها اجازه دهد تا در افکار و احساسات هم سهیم باشند (Graham, 1995). شوخ طبعی یک پیش‌بینی کننده قوی از جدایت میان فردی محسوب می‌شود (Martin et al, 2003; Reff, 2006) به نقل از کاکاوند، ۱۳۸۹: ۳۳. احتمالاً شرایط جنگ، ناملايمات آن شرایط سخت موجب می‌شد تا رزمندگان با استفاده از شوخ طبعی نسبت به کاهش آلام خود اهتمام ورزند.

شوخ طبعی به کیفیتی از عمل گفتار و نوشتار اشاره دارد که موجب سرگرمی و تفریح می‌شود. حس شوخ طبعی، رگه شخصیتی پایدار و متغیر مهم تفاوت‌های فردی است که در انواع رفتارها، تجربه‌ها، عاطفه‌ها، بازخوردها و توانایی‌های مرتبط با سرگرمی خندیدن، خندانند و مانند آن تجلی می‌یابد. افزون بر این شوخ طبعی راهبرد مقابله‌ای در برابر تنیدگی

1. Humor

2. Sense of Humor

است که به‌عنوان مکانیزمی علیه اضطراب و افسردگی در نظر گرفته می‌شود. شوخ‌طبعی به‌عنوان راهی برای مواجهه با مشکلات زندگی مطرح است. طبق تحقیقاتی که رابینز انجام داده است به این نتیجه رسیده است که افراد سرزنده و بانشاط تجارب منفی را از خود دور و چیزهای مثبت را در برابر خود دارند (شکیبا قاراب و توزنده جانی، ۱۳۹۴: ۸۸۹).

جدول ۴. شوخی‌های متداول رزمندگان در جنگ تحمیلی

مفهوم	عبارات کنایی	صناعات ادبی
بله می‌خواست بگوید شهید شده، مانده بودم بخندم یا گریه کنم (فهمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲). هم‌وزنی بین باقی و شافی و شافل	بعد از عملیات سراغ دوستم را از او گرفتم، گفت: بردنش «هوالشافی». بعد پرسیدم، حال‌وروزش چطور است؟ گفت: «هوالباقی».	شوخی‌های رزمندگان
در این نمونه، رزمنده شوخ‌طبع، با دیدن شباهت ویتامین‌ها به حروف الفبا ویتامین «ق» را با شگرد هم‌وزنی و جناس، ویتامین ب، ث و د را باز تحلیل نموده است.	هر وقت نان سفت بود که سمبه و چکش هم به آن کارگر نبود چه رسد به دندان! اینجا بود که شوخی‌ها گل می‌کرد. یکی می‌گفت: بخورید ویتامین «ق» دارد. از گاوداری‌های اطراف کرج آورده‌اند.	
کنایه از اینکه چیزی نمانده که کور شود.	وقتی کسی ازش می‌پرسید چرا درست غذا نمی‌خوری؟ جواب می‌داد اشتهای ما دیگه عینکی شده.	شوخی‌های نقد
--	روحانی گردان را کچل کرده بودند یکسره می‌پرسیدند «تکلیف ما چیه؟» چیکار کنیم؟ کی عملیات می‌شه؟ اون هم گفت: بچه‌ها یک دفتر ۴۰ برگ بیاورید و از کوکب خانم تا حسنگ کجایی از هر دست یک مشق بنویسید. «این هم تکلیف شما»	

مأخذ: صفایی و درویشعلی‌پور آستانه، ۱۳۹۱

شاید در کنار هم قراردادن شوخ‌طبعی و جبهه، کمی غیرمنتظره باشد؛ اما ناب‌ترین شوخی‌ها را به شکل ساده و صمیمی در همین فرهنگ شفاهی جبهه قابل دیدن است که چندان به آن نپرداخته‌اند. این شوخی‌ها در چهار قلمرو عبادی، جنگ و شهادت، خوردن و

آشامیدن و ضوابط اجتماعی جای می‌گیرند. از بین انواع گونه‌های طنز، همخوانی بسیاری با شگردهای طنز آفرینی دارند. حال آنکه رزمندگان، بدون آشنایی نظری با سازوکار ساخت طنز، هر سه نوع طنز، یعنی کلامی، تصویری و محتوایی را بکار برده‌اند. هرچند که از نظر جهان‌بینی، نحوه بکارگیری زبان و توصیف و تصویر، بسیار متأثر از فضای جنگ و جبهه‌اند (صفایی و درویشعلی‌پور آستانه، ۱۳۹۱: ۱۲۱). برخی از شوخی‌ها و خاطرات طنز رزمندگان در جنگ تحمیلی در جداول شماره ۴ و ۵ بیان شده است.

طنز از واقعیات زندگی رزمندگان بوده است که علاوه بر اینکه زاینده وجود زندگی و سرزندگی آن‌هم در شرایطی متفاوت است برای حفظ و افزایش روحیه ایثارگری و دلاوری و گاهی باهدف انتقاد از شرایط و حتی گاه برای تضعیف روحیه دشمن به کار گرفته می‌شده است (قیصری و صرفی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

شاید در نگاه اول، جمع بین جنگ و طنز و شوخ‌طبعی، قدری نامتجانس و غریب به نظر آید اما وقتی بپذیریم فرهنگ خاصی در زندگی حاضران در جنگ در طول هشت سال به وجود آمده و شکل گرفته است نمونه‌های جالبی از جلوه این فرهنگ را نیز شاهد خواهیم بود (شریف‌پور و قیصری، ۱۳۹۱: ۲۱۵).

سعید تاجیک خاطرات خود را در کتاب «جنگ دوست داشتی» چنین بیان می‌کند (قیصری و صرفی، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۲۰):

«... داخل سنگر پر بود از چیزهای جورواجور؛ از جمله لباس زنانه! که آن را پوشیدم و مسخره‌بازی درآوردم. به محمد گفتم، «حالا خوب است با این لباس‌ها شهید بشوم و جنازه‌ام را همین طوری به ننه‌ام تحویل بدهند ننه‌ام چه فکرها که نمی‌کند».

«هر گروهان سه قاطر داشت که بعضی از این قاطرها اعزام مجدد بودند و به‌محض شنیدن سوت خمپاره فوراً روی زمین می‌نشستند».

«موعده حرکت نیروها بود. صدای صلوات مردم بلند بود. عده‌ای شعار جنگ جنگ تا پیروزی را سر می‌دادند به حسین

گفتم: شیطان می‌گوید اینها را که شعار می‌دهند، جمع کنی ببری

منطقه تا دیگر این‌طور هندوانه زیر بغلمان نزنند!»

گاهی رزمندگان با استفاده از تغییر الفاظ، واژه‌های طنزآمیز ایجاد می‌کردند. مثلاً سر پل ذهاب به جای کلمه سر پل صراط (قیصری و صرفی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

خاطرات طنز رزمندگان ناشی از فرهنگ‌سازمانی و برگرفته از ایدئولوژی حاکم بر جامعه بود. ترابی (۱۳۸۵) ایدئولوژی‌ها را «چارچوب‌های آگاهی» می‌داند که تفسیری از جهان را به‌منظور عمل بر طبق آن در اختیار انسان قرار می‌دهند. ایدئولوژی انقلاب اسلامی توانست نیروهای سیاسی مختلفی را که با الگوهای اسلامی و رهیافت‌های امام خمینی (ره) هماهنگی داشتند، با یکدیگر متحد نماید و به موازات آن زمینه‌های ایجاد ایدئولوژی مسلطی را فراهم آورد (ترابی، ۱۳۸۵). استفاده از تعبیر واقعه عاشورا، صلوات، اشاره به آیات قرآن و احادیث و غیره نمایانگر اسلام‌گرایی و جایگاه دین در جبهه‌ها بود.

جدول ۵. برخی از خاطرات طنز جبهه

موضوع	خاطره
بازگشت	بعد از نوشیدن آب، یکی‌یکی، لیوان خالی را به سقا می‌دادیم. او اصرار داشت عبارتی بگوییم که تا حالا کسی نگفته باشد و برای همه هم جالب باشد. یکی می‌گفت: «سلام بر حسین (ع)، لعنت بر یزید» دیگری می‌گفت: «سلام بر حسین (ع)، لعنت بر صدام» اما از همه بامزه‌تر عبارت: «سلام بر حسین (ع)، لگد بر یزید» بود که برای همه بسیار جالب بود.
بازگشت	قرار گذاشته بودیم هر شب یکی از بچه‌های چادر رو توی «جشن پتو» بزنیم یه روز گفتیم: ما چرا خودمون رو می‌زنیم؟ واسه همین قرار شد یکی بره بیرون و اولین کسی رو که دید بکشونه توی چادر. به همین خاطر یکی از بچه‌ها رفت بیرون و بعد از مدتی با یه حاج آقا اومد داخل. اول جا خوردیم؛ اما خوب دیگه کاریش نمی‌شد کرد. گفت: حاج آقا بچه‌ها یه سؤال دارن. گفت: بفرمایید و ... یه مدت گذشت داشتیم از کنار یه چادر رد می‌شدم که یهو یکی صدام زد؛ تا به خودم اومدم، هفت هشتا حاج آقا ریختن سرم و یه جشن پتوی حسابی ...

<p>بچه‌ها با صدای بلند صلوات می‌فرستادند و او می‌گفت: «نشد این صلوات به درد خودتون می‌خوره» نفرات جلوتر که اصل حرف‌های او را می‌شنیدند و می‌خندیدند، چون او می‌گفت: «برای سماورای خودتون و خانواده هاتون به قوری چایی دم کنید»</p> <p>بچه‌های ردیف‌های آخر فکر می‌کردند که او برای سلامتی آن‌ها صلوات می‌گیرد و او هم پشت سر هم می‌گفت: «نشد مگه روزه هستید» و بچه‌ها بلندتر صلوات می‌فرستادند. بعد از کلی صلوات فرستادن تازه به همه گفت که چه چیزی می‌گفته و آن‌ها چه چیزی می‌شنیدند و بعد همه با یک صلوات به استقبال خنده رفتند.</p>	<p>صلوات</p>
<p>صدا به صدا نمی‌رسید. همه مهبای رفتن و پیوستن به برادران مستقر در خط بودند. راه طولانی، تعداد نیروها زیاد و هوا بسیار گرم بود. راننده خوش انصاف هم در کمال خونسردی آینه را میزان کرده و به سرووضعش می‌رسید. بچه‌ها پشت سر هم صلوات می‌فرستادند، برای سلامتی امام، بعضی مسئولین و فرمانده لشکر و ... اما باز هم ماشین راه نیفتاد.</p> <p>بالاخره سروصدای بعضی درآمد: «چرا معطلی برادر؟ لابد صلوات می‌خواهی. اینکه خجالت نداره. چیزی که زیاد است صلوات.»</p> <p>سپس رو به جمع ادامه داد: «برای سلامتی بنده! گیر نکردن دنده، کمتر شدن خنده یک صلوات راننده پسند! بفرستید.»</p>	<p>سلامتی راننده</p>
<p>استاد سرکار گذاشتن بچه‌ها بود. روزی از یکی از برادران پرسید: «شما وقتی با دشمن روبه‌رو می‌شوید برای آنکه کشته نشوید و توپ و تانک آن‌ها در شما اثر نکند چه می‌گویید؟»</p> <p>آن برادر خیلی جدی جواب داد: «البته بیشتر به اخلاص برمی‌گردد والا خود عبادت به تنهایی دردی را دوا نمی‌کند. اولاً باید وضو داشته باشی، ثانیاً روبه‌قبله و آهسته به‌نجوی که کسی نفهمد بگویی: اللهم ارزقنا ترکشاً ریزاً بدستنا یا پاینا و لا جای حساسنا برحمتک یا ارحم الراحمین»</p> <p>طوری این کلمات را به عربی ادا کرد که او باورش شد و با خود گفت: «این اگر آیه نباشد حتماً حدیث است» اما در آخر که کلمات عربی را به فارسی ترجمه کرد، شک کرد و گفت: «اخوی غریب گیر آورده‌ای؟»</p>	<p>اللهم ارزقنا ترکشاً ریزاً</p>
<p>هوا خیلی سرد بود. از بلندگو اعلام کردند جمع شوید جلوی تدارکات و پتو بگیرید. فرمانده گردان با صدای بلند گفت: «کی سردشه؟»</p> <p>همه جواب دادند: «دشمن»</p> <p>فرمانده گفت: «احسنت، احسنت. معلوم می‌شود هیچ‌کدام سردتان نیست. بفرمایید بروید دنبال کارهایتان. پتویی نداریم که به شما بدهیم»</p> <p>داد همه رفت به آسمان. البته شوخی بود.</p>	<p>توتو</p>

<p>گاهی می‌شد که آهی در بساط نداشتیم، حتی قند برای چای خوردن. شب پنی‌ر، صبح پنی‌ر، ظهر چند خرما... در چنین شرایطی طبع شوخی بچه‌ها گل می‌کرد و هر کس چیزی نثار شهردار آن روز می‌کرد.</p> <p>اتفاقاً یک روز که من شهردار بودم و گرسنگی به آن‌ها فشار آورده بود، یکی گفت: «ای که دست می‌رسد کاری بکن!»</p> <p>من هم بی‌درنگ مثل خودشان جواب دادم: «می‌رسد دستم ولیکن نیست کار... کف دست که مو ندارد، آگه خودمو می‌خورید بار بندازم!»</p>	<p>شهردار</p>
<p>تو منطقه بیماری «گال» راه افتاده بود. آنهایی که این بیماری را گرفته بودند، قرنطینه کرده بودند. شب بود. خسته بودم. هوا هم خیلی سرد بود. بچه‌ها همه توی سنگر خوابیده بودند. جا هم نبود. با خودم فکر کردم چطوری برای خودم جایی دست‌وپا کنم. رفتم وسط بچه‌ها دراز کشیدم و شروع کردم به خاراندن. بچه‌ها به خیال اینکه منم «گال» دارم همه از ترس رفتند بیرون. من هم راحت تا صبح خوابیدم.</p>	<p>گال</p>
<p>رسیدیم منطقه، اما هیچ کدام اسلحه نداشتیم به مافوقمان گفتیم: ما را بدون اسلحه آورده‌اید اینجا چه کار؟ گفت: اسلحه نداریم یا باید مال زخمی‌ها را بردارید یا غنیمت بگیرید ناراحت گوشه‌ای نشسته بودم که متوجه شدم یک اسلحه نو که کمی با مال بقیه متفاوت بود گوشه‌ای افتاده بود حساسی خوشحال شدم دویدم و اسلحه را برداشتم اما خوشحالی‌ام دوام زیادی نداشت چون بعد از چند دقیقه فهمیدم اسلحه، اسلحه فرمانده است.</p>	<p>اسلحه فرمانده</p>
<p>در رودخانه نزدیک مقر آب تنی می‌کردیم. یکی از بچه‌ها که شنا بلد نبود افتاد توی آب. چند بار رفت زیر آب و آمد بالا، شنا بلد نبود یا خودش را به نابلدی می‌زد خدا می‌داند، برادری پرید توی آب و او را گرفت، وقتی داشت او را با خودش می‌آورد بالا می‌گفت: «کاکا سالم هستی؟» و او نفس زنان می‌گفت: «نه کاکا سالم خانه است من جاسم هستم.»</p>	<p>کاکا سالم هستی؟</p>

مأخذ: پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران، شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا، پایگاه خبری شیرین طنز

از آنجاکه طنز دفاع مقدس برآمده از شرایط خاص حاکم بر جبهه‌ها بوده است از تازگی و بکری بهره دارد. در مقدمه کتاب «پاتک تدارکاتی» که مجموعه‌ای از خاطرات طنزآمیز دفاع مقدس را در خود جای داده است، می‌خوانیم (شریف‌پور و قیصری، ۱۳۹۱: ۲۱۶):

«تمام آنچه از جنگ گفته‌ایم، ترسیم صحنه‌هایی بوده است که نشان از تلاش‌های طاقت‌فرسا، بی‌خوابی، شکنجه‌های اسراء، رزم‌های شبانه، دعا،

مناجات، نماز شب، میدان مین، ترکش، موج انفجار و ... دارد. گویی بچه‌های جنگ مشت‌های آدم‌های بوده‌اند که از احساس، محبت و لطافت خالی بوده‌اند و یا انسان‌هایی محدود به وظایف تعریف شده عبادی که از دایره مستحبات و ترک مکروهات، فراتر نرفته‌اند. این نوع نگاه، مردان جنگ را چنان آسمانی و دور از دسترس می‌کند که نوجوانان امروز، رسیدن به آن را ناممکن می‌دانند و ترجیح می‌دهند الگوهای خود را از میان شخصیت‌های دست‌یافتنی اطراف خود انتخاب نمایند. گذری بر لحظات شیرین جبهه، حتی در سخت‌ترین شرایط و زیر باران گلوله‌های دشمن، می‌تواند فاصله میان نسل امروز و نسل جنگ را در رسیدن به مفاهیمی مشترک، کوتاه و کوتاه‌تر سازد» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱).

۳. موسیقی‌های حماسی و دفاع مقدس

قطعه خلبانان، ملوانان؛ یک سرود فارسی - آذری، یکی از کارهای موسیقی‌های حماسی و دفاع مقدس خوب و تأثیرگذار است. این سرود، ساخته فیروز برنجان با نام هنری بابک رادمش است. او بیش از ۴۰ سرود انقلابی را آهنگسازی کرده که این یکی در اذهان ماندگار شده است. ترانه به خوانندگی جمشید نجفی با همراهی گروه کر و ارکستر صداوسیما ضبط شده است. برنجان ترانه این کار را به دو زبان فارسی و ترکی سروده و بخشی از کار را خواننده و گروه کر به زبان مادری این آهنگساز و ترانه‌سرای اهل تبریز می‌خوانند. خواننده کار هم اصالتاً آذری است و ترکیب این دو نفر فضای جالبی را ایجاد کرده است. موسیقی‌ای که برای سرود در نظر گرفته شده هم درون‌مایه‌های موسیقی آذری را دارد و درست زمانی هم تولید می‌شود که بیشترین تأثیر را بر جامعه دارد، درست در روزهایی که سایه شوم حملات صدام بر سر ایران می‌افتد و همه پا در این مسیر می‌گذارند تا در جنگی غالب شوند که جهان آتشش را افروخته و نباید در آن وجبی از خاک کشور به دست دشمن بیفتد (مرتضایی فرد، ۱۳۹۸: ۹).

۴. فرهنگ ایثار

یکی از خرده‌فرهنگ‌های موجود در رفتار رزمندگان ایثار و از خودگذشتگی است. این رفتار به‌عنوان یک شاخص اساسی از ارزش‌ها، رفتارها و نگرش‌های رزمندگان به‌عنوان بخشی از فرهنگ قابل بررسی است.

ادبیات نمایشی بستر مناسبی جهت تبیین جایگاه فرهنگ ایثار است و در بررسی مضامین ایثار و فداکاری و شهادت در ادبیات نمایشی (کاکه‌رش و قلیزاده، ۱۳۹۷: ۲۵). عمده‌ترین مؤلفه‌های مبین فرهنگ ایثار که در تحلیل نمایشنامه‌های موردنظر به کار رفته‌اند، شامل خطرپذیری، اعتماد به دیگران، عدم دنیا دوستی، وطن‌دوستی، امید به زندگی، دیگرخواهی، خیرخواهی، احترام به نظر دیگران، انتقادپذیری، پرهیز از خودمحوری، قانع بودن، روحیه ایمان، کنترل خشم، اعتماد به نفس بالا و انجام وظیفه و مسئولیت است (کاکه‌رش و قلیزاده، ۱۳۹۷: ۳۱).

کاکه‌رش و قلیزاده (۱۳۹۷)، نمودهای ایثار را در سه اثر نمایشی «خاکی میان آسمان»، «برادرها می‌میرند» و «بدریه، ما ادری» بررسی کرده و با الگویی از این‌گونه آثار، به واکاوی علل و عوامل مؤثر در تجلی ایثار در این متون نمایشی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد: «در مجموع ۹۰ مرتبه در نمایشنامه‌های مورد نظر به مؤلفه‌های ایثار توجه شده است. بیشترین توجه به مؤلفه‌های دیگرخواهی (۱۴ مرتبه)، انجام وظیفه و مسئولیت (۱۳ مرتبه) و خطرپذیری (۱۰ مرتبه) بوده و کمترین میزان توجه به مؤلفه‌های اعتماد به دیگران (۱ بار)، کنترل خشم (۱ بار) و قانع بودن (۲ بار) بوده است. جزئیات بیشتری در جدول شماره ۶ ارائه گردیده است.

جدول ۶: مقادیر ایتار در مجموع سه نمایشنامه

ردیف	نمایشنامه		بدریه، ما اداری			برادرها می میرند			خاکی میان آسمان			جمع کل	
	موضوع جنس	ملی	عاشقانه	دینی	خانوادگی	ملی	عاشقانه	دینی	خانوادگی	ملی	عاشقانه		دینی
۱	مرد	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۴
	زن	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۰	۶
۲	مرد	اعتماد به دیگران	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	زن	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۳	مرد	عدم دنیاپرستی	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲
	زن	۱	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۴	مرد	وطن دوستی	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۴
	زن	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۴
۵	مرد	امید به زندگی	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۲
	زن	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۶
۶	مرد	دیگر خواهی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰	۰	۵
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۰	۹
۷	مرد	خیر خواهی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۳
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۲
۸	مرد	احترام به نظردیگران	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۴	۰	۰	۰	۰	۵
۹	مرد	انتقاد پذیری	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶	۰	۰	۶
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۰	مرد	پرهیز از خودمهوری	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۳
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۱	مرد	قانع بودن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۳
۱۲	مرد	روحیه ایمان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۲
۱۳	مرد	کنترل خشم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۴	مرد	اعتماد به نفس یا لا	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۳
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱
۱۵	مرد	انجام وظیفه و مسئولیت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۱۰
	زن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۳
۹۰	جمع											۸	
	جمع کل											۱۹	
											۳۶		
											۳۵		

ماخذ: کاکهرش و قلیزاده، ۱۳۹۷: ۲۲-۳۱

۵. روح سلحشوری و رشادت

در دوران جنگ با توجه به شرایط خاص بحرانی که در کشور حکم‌فرما بود، مردم و مسئولان از نویسندگان ادبیات دفاع مقدس توقع زیادی داشتند. آن‌ها می‌خواستند تا داستان‌های جنگ همسو با اهداف رزمندگان مطرح و عملاً از آرمان‌های دفاع مقدس حمایت شود. بدین ترتیب در داستان‌های دفاع مقدس عنصر مضمون و درون‌مایه مورد تأکید نویسنده قرار گرفت. آن‌چنان توجه به ساختار و نثر داستانی نشد. نویسنده داستان دفاع مقدس در بدو امر قصد داشت عراق را به‌عنوان کشور غارتگر جنگ معرفی کند، از رشادت‌ها و سلحشوری‌ها بگوید و شرح کاملی از مظلومیت مردم ایران بدهد (اصلائی، ۱۳۹۴: ۵۶۷).

بحث و نتیجه‌گیری

در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس روحیه همیاری، اعتماد متقابل، ایثار، مقاومت و مسائلی از این دست در فضای عمومی جامعه به‌عنوان ارزش شناخته شدند. این شکل خاص از روابط اجتماعی همان است که از آن تحت عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. در واقع، وجود سرمایه اجتماعی در جامعه، به لحاظ شکل و ماهیت روابط اجتماعی (هنجارهای اعتماد و همیاری) و به‌واسطه تراکم در روابط اجتماعی و روابط بین گروهی، سوگیری ارزش‌های عام‌گرایانه را جایگزین ارزش‌های خاص‌گرایانه می‌کند و از سوی دیگر با شکل‌گیری هنجارهای اعتماد و همیاری از طریق گسترش روابط اجتماعی در شبکه‌ها، مانع بروز فردگرایی در اشکال منفی آن می‌شود (نجفی و آرمیده، ۱۳۹۴).

دفاع مقدس به‌نوعی بیانگر نظریه‌های دینی و ملی مردم ایران‌زمین در مورد هویت‌شان است (لک، ۱۳۸۴: ۱۱۲). بسیاری از ارزش‌هایی که در دوران دفاع مقدس رشد کردند و جلوه‌های ویژه‌ای را از خود بروز دادند آن بوده و قابلیت آن را دارند که در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها رشد کنند و به‌کار گرفته شوند. افزون بر آن از رواج و گسترش آن‌ها می‌تواند روابط مردم با یکدیگر و ارکان مختلف نظام را اخلاقی‌تر نموده و کارایی جامعه را افزایش داده و روند امورات عمومی و خصوصی را سهل‌تر نماید (فاطمی و اسلامی فارسائی، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

از نظر جهان‌بینی الهی، روح اصالت دارد و تن و جسم، تنها قالبی برای پرورش روح آدمی است. بدیهی است که قدرت و توانایی بشر نیز از جسم، عقل و روح او سرچشمه می‌گیرد و قدرت جسمی، قدرت فکری و قدرت روحی مجموع توانایی‌های آدمی است. قدرت روحی یا روحیه ارتباط تنگاتنگی با عوامل معنوی و فرهنگی دارد، زیرا بخشی از این عوامل از آن جهت در زمره عوامل معنوی و فرهنگی قرار می‌گیرد که توان روحی و روحیه افراد را افزایش می‌دهد. روحیه در جنگ از اهمیت بسزایی برخوردار است. روحیه نحوه تفکر یک فرد در علاقه‌مندی به اجرای وظایف محوله و تشریک مساعی به‌عنوان عنصری از یک سازمان برای نیل به هدف آن سازمان است. روحیه قوی بدین معنا است که هر فردی در یک گروه کار خواهد کرد یا خواهد جنگید و در صورت لزوم در انجام وظیفه خود تا سر حد امکان آخرین تلاش خود را خواهد کرد (بحرینی، ۱۳۷۳: ۲۳).

عوامل معنوی و فرهنگی در پیروزی رزمندگان اسلام در دفاع مقدس نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است به‌گونه‌ای که دفاع مقدس منهای این عوامل سرنوشتی دیگر پیدا می‌کرد. عوامل پیروزی در سطح ملی منوط به فراهم آمدن عوامل مادی و معنوی و فرهنگی است که در مجموع توان یک ملت را در برابر دشمن تشکیل می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس در مجموع از نظر عوامل بالفعل مادی به‌مراتب از عراق ضعیف‌تر بود. عراق در طول جنگ به لحاظ بنیه اقتصادی و حمایت‌های نظامی، سیاسی و مالی قدرتهای بین‌المللی و منطقه‌ای، برتری محسوس و غیرقابل‌انکاری نسبت به ایران داشت. عظمت و تأثیر بسیار زیاد عوامل معنوی و فرهنگی آنگاه آشکار می‌گردد که روشن شود دشمن با چه توان مادی در برابر ایران اسلامی صف‌آرایی کرده بود. این ادعا بدین معنا نیست که دشمن هیچ عامل غیرمادی در اختیار نداشت یا عوامل مادی در پیروزی ما در جنگ تأثیری نداشتند بلکه بدین معنا است که کفه توان و قدرت مادی به سود عراق و کفه توان و قدرت معنوی و فرهنگی به نفع ایران بود (تقی‌زاده اکبری و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۹).

یکی از ثمرات بزرگ دفاع مقدس، تغییر و دگرگونی بی‌سابقه در باورهای قشر جوان بود که به‌گونه‌ای که به جرأت می‌توان گفت خودسازی معنوی و تهذیب نفس، فضاسازی معنوی و روحی پرجاذبه برای نسل جوان از بارزترین دستاوردهای دفاع مقدس بوده است. به‌گونه‌ای

که جبهه‌های جنگ مأمّن عارفان جوانی بود که در میدان شهادت از همدیگر سبقت می‌گرفتند (جمالی، ۱۳۹۴: ۷۴).

خرده‌فرهنگ رزمندگان در جبهه‌های جنگ، بن‌مایه‌های فرهنگ اسلامی و فرهنگ ایرانی را با خود همراه دارد. این بن‌مایه‌ها موجب شکل‌گیری فرهنگ خاصی در بخشی از تاریخ ایران شده است. شناسایی خرده‌فرهنگ‌های موجود در جبهه‌های جنگ برای بررسی فرهنگ حاکم بر دفاع مقدس و همچنین برهه‌ایی از تاریخ نیروهای مسلح بسیار مهم و ارزشمند است. این مطالعه به مباحثی از قبیل؛ زبان (کنایه، اصطلاحات رایج و زبان‌های محلی رمزکننده اطلاعات)، شوخ‌طبعی، موسیقی‌های حماسی و دفاع مقدس و فرهنگ ایثار پرداخته است. در محیط جبهه‌های جنگ و حال و هوای آن دوره زمانی و وضعیت موجود، روحیه‌ای در رزمندگان به وجود آورده بود که می‌توان از آن به‌عنوان رفتارهای خاص یاد کرد. این رفتارها و الگوهای زبانی، شوخ‌طبعی، موسیقی‌های حماسی، اشعار و سلوک، منش و شخصیت حاکم بر فضای کلی جبهه‌های جنگ و حتی در پشت جبهه، خرده‌فرهنگ خاص خود را به وجود آورده بود.

آنچه در آن دوره زمانی باعث افزایش روحیه شوخ‌طبعی بین رزمندگان می‌شد، قطعاً خارج از اندیشه‌های ملی، مذهبی و عاری از آموخته‌ها و تربیت آنان نبود. انگار این جوانان برای روزهای سخت تربیت شده بودند تا در برابر سخت‌ترین شرایط بتوانند محکم ایستادگی و پایداری نمایند.

جوانان آن دوره رگ و پی از خود نشان دادند که در قرن گذشته که منجر به جدایی بخش‌های بزرگی از ایران شده است، نمی‌توان آن را دید یا کمتر دیده می‌شود. این رگ و پی آن‌چنان محکم و استوار است که در برابر تمام دشواری‌ها، نواقص و کمبودهای تجهیزات و جنگ‌افزار به طرز شگفت‌انگیزی از خود مقاومت و پایداری نشان می‌دهد. این را باید در غیرت ایرانی جست‌وجو کرد تا به فرهنگ اصیل آن رزمندگان دست یافت.

ایثار و ازخودگذشتگی رزمندگان در جنگ هشت‌ساله به‌عنوان یکی از خرده‌فرهنگ‌های موجود در رفتار رزمندگان بسیار مهم است که تبیین این شاخص‌ها برای الگوسازی و ایجاد نمادهای فرهنگی برای نسل جنگ‌ندیده در برابر تهاجم فرهنگی حائز اهمیت است. تلاش

❖ دوره جدید، شماره ۲ (پیاپی ۴)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

برای حفظ ارزش‌های دفاع مقدس و جنگ هشت‌ساله و ترویج آن بر اساس پایه‌های شناخت فرهنگ حاکم می‌تواند گام مؤثری برای رسیدن به این اندیشه باشد.

همان‌طوری که قبلاً اشاره شده به موضوع خرده‌فرهنگ رزمندگان به‌طور وسیع پرداخته نشده است. بنابراین، می‌توان تحقیقات وسیعی با موضوع خرده‌فرهنگ تخریبچی‌ها و مهندسان میدین مین، رانندگان و موتوری، رزمندگان زرهی، خلبان‌ها، پزشکان و پرستاران، گروه‌های آمادی و تدارک چیان و غیره پرداخت. جمع‌آوری خرده‌فرهنگ همه اقشار رزمندگان می‌تواند بسیاری از ناگفته‌های جنگ را مشخص و روشن کند.

منابع و مأخذ

اباسهل، ابوالقاسم و همکاران (۱۳۹۷). «فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس، حضور عزتمند و ارزش‌آفرین و فرهنگ‌ساز جامعه سلامت در دفاع مقدس»، نشریه علمی پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی، شماره ۴: ۲۶۵ - ۲۳۵.

ابراهیمی، خدایار (۱۳۹۵). «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انتقال فرهنگ دفاع مقدس با تأکید بر کارکرد شبکه مجازی تلگرام»، دوفصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، شماره ۱: ۲۲-۱.

اصلانی، حسن (۱۳۹۴). «دفاع مقدس و بازتاب آن در زمینه‌های ادبی و اجتماعی»، دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی اوسولیان، تام. هارتلی، جان. ساندرز، دانی. فیسک، جان. (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات، ترجمه میرحسن رئیس‌زاده، تهران: نشر فصل نو.

ایزدی، مصطفی؛ هادی مرادپیری، حمیدرضا حاتمی و حسین سهرابی (۱۳۹۶). «ترویج فرهنگ دفاع مقدس، آسیب‌شناسی، ارائه مدل و راهکارها»، نشریه سیاست دفاعی، شماره ۹۹: ۱۵۲ - ۱۱۹.

بحرینی، بهروز و عزت‌اله نباتی (۱۳۷۳). اصول جنگ و توان رزمی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد آجا ترابی، طاهره (۱۳۸۵). «مقاومت‌گرایی ایدئولوژیک در دوران دفاع مقدس»، زمانه، شماره ۵۳ و ۵۴. تقی‌زاده اکبری، علی؛ محمدرضا سنگری و مهدی عبداللهی (۱۳۸۷). عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

جعفری، شیرین؛ سمیه رجبی، زهرا نجفی و علی پژهان (۱۳۸۶). «طبقه‌بندی فرهنگ و فراغت ایران»، گزیده مطالب آماری، شماره ۲: ۴۲-۱۵.

جمالی، علی (۱۳۹۴). «تأثیر دستاوردهای فرهنگی دفاع مقدس بر حفظ و استمرار انقلاب اسلامی»، نشریه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۱: ۱۰۰ - ۶۳.

جهانگیری، مریم (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های شوخ طبعی بر کاهش افسردگی آسیب‌پذیر نخاعی شهر تهران، پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تحقیقات تهران.

حسنی، محمدحسین؛ محمدسعید ذکایی، ابوتراب طالبی و علی انتظاری (۱۳۹۶). «مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی»، جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۱: ۴۵ - ۲۳.

<http://pajoohe.ir>

خالدی، سمانه (۱۳۹۳). خرده‌فرهنگ، پژوهشکده باقرالعلوم.

ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱). «خرده‌فرهنگ، سبک زندگی و هویت»، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۰ و

- رجبلو، علی و زهرا علیخانی (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی گفتار عامیانه در خرده‌فرهنگ جوانان»، نشریه مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲: ۱۰۶-۷۳.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۵). زمینه فرهنگ شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، تهران: عطار.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). فولکلور و فرهنگ، در جبهه‌ای نو در فرهنگ شناسی ایران، به اهتمام محسن مهرآبادی و علیرضا کمری، انتشارات فرهنگ گستر و سروش.
- سازگارا، پروین (۱۳۷۷). نگاهی به جامعه‌شناسی با تأکید بر فرهنگ، چاپ اول، تهران، کویر، ص ۹۸-۹۹. سایت رهبری. <https://farsi.khamenei.ir>
- سلطانی، مجتبی (۱۳۸۴). پاتک تدارکاتی: مجموعه خاطرات طنز رزمندگان اسلام، قم: نشر مجنون.
- شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۳). «علامه طباطبائی و بنیادهای هستی‌شناختی فرهنگ»، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲: ۲۲-۱.
- شریف‌پور، عنایت‌اله. قیصری، عبدالرضا (۱۳۹۱). «بررسی مضامین طنز در خاطره نوشته‌های دفاع مقدس»، ادبیات پایداری (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، دوره ۳، شماره ۵-۶: ۲۳۶-۲۰۹.
- شکیبای قاراب، طاهره و حسن توزنده جانی (۱۳۹۴). هوش فرهنگی، گرایش‌های مذهبی و سبک‌های شوخ طبعی در دانشجویان، روانشناسی معاصر (ویژه‌نامه)، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن روانشناسی ایران، شماره ۱۰: ۸۹۲-۸۸۹.
- شمشیر گرها، محبوبه. (۱۳۹۴). «ویژگی‌های گونه زبانی خرده‌فرهنگ جبهه»، دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۳، شماره ۶: ۱۸۲-۱۵۵.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۹). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ققنوس.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ سوم، تهران، سمت.
- صفایی‌فرد، محسن (۱۳۹۰). «ارزیابی مفهوم سبک زندگی در بازنمایی فرهنگ‌نامه جبهه»، فرهنگ پژوهش، شماره ۱۰: ۱۷۳-۱۴۲.
- صفایی، علی؛ لایلا درویشعلی‌پور آستانه (۱۳۹۱). «بررسی شیوه‌های پرداخت طنز و مطایبه در کتاب فرهنگ جبهه (شوخی‌طبعی‌ها)»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر تهران، شماره ۷: ۱۳۷-۱۲۱.
- صفری، حسین و قنبر امیرنژاد (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر انسجام فرهنگی رزمندگان در دوران دفاع مقدس، نخستین همایش ملی رویکردهای نوین مدیریت در مطالعات میان‌رشته‌ای، گنبد کاووس: دانشگاه گنبدکاووس.

صمدی، مهران و ناصر طریحی (۱۳۹۵). «مطالعه رابطه بین میزان مصرف رسانه‌ای نسل جوان و نگرش آنان به فرهنگ ایثار و شهادت»، نشریه مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۳۲: ۷۲-۵۳.

غفوری، علی‌اصغر و فاطمه حبیبی (۱۳۹۵). بازتاب شگرد بلاغی کنایه در عرصه فرهنگ جبهه، اولین همایش ادبیات پایداری گیلان (ذیل کنگره هشت هزار شهید استان گیلان)، گیلان: دانشگاه گیلان.

فاطمی، داود و عباس اسلامی فارسانی (۱۳۹۷). «ارزیابی نظام ارزش‌های جامعه در دوران دفاع مقدس و دوران کنونی»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، شماره ۲: ۱۵۰-۱۱۳.

فهیمی، سیدمهدی (۱۳۸۱). فرهنگ‌نامه جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی. ۸ ج. تهران: پایداری. قیصری، عبدالرضا و محمدرضا صرفی (۱۳۸۸). «طنز در کتاب جنگ دوست‌داشتنی، مجموعه خاطرات سعید تاجیک»، ادبیات پایداری (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، شماره ۱: ۱۲۵-۱۱۳.

گاکاوند، علیرضا؛ حسن شمس اسفندآباد، عصمت دانش و رستم قالبی حاجیوند (۱۳۸۹). «رابطه سبک‌های شوخ طبعی دانشجویان با سلامت عمومی آن‌ها»، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، شماره ۲: ۴۳-۳۲.

کریمی حاجی خادمی، فرید (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری و دفاع مقدس در ادبیات کودک و نوجوان، ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت: موسسه آموزش عالی ادیب مازندران.

کوئن، بروس (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران، فرهنگ معاصر. کاکهرش، فرهاد و رقیه قلی‌زاده (۱۳۹۷). «تحلیل مضمون ایثار در سه اثر نمایشی ناشناخته دفاع مقدس»،

دوفصلنامه ادبیات دفاع مقدس، دانشگاه شاهد، شماره ۱: ۳۶-۲۵.

گولد، جولیسوس. کولب، ویلیام ل (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ویراستار محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران: انتشارات مازیار.

لک، منوچهر (۱۳۸۴). «هویت ملی در شعر دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲: ۱۳۲-۱۱۱.

محمدی، فریدون (۱۳۹۹). زبان تاتی رمز پیروزی اطلاعاتی ایران در دوران دفاع مقدس، خبرگزاری میراث آریا. <https://chtn.ir>

مرتضایی‌فرد، زینب (۱۳۹۸). ماجرای یک سرود ۴۰ ساله، روزنامه جام جم، شماره ۵۵۳۶.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). یادداشت‌های استاد مطهری، چ سوم، قم: صدرا.

میرزایی، حسین؛ انسیه ساداتی، راحله کاردوانی، مهدی اکبریان و لیلا فتحی (۱۳۹۰). «بررسی خرده‌فرهنگ جوانان ایران در محتوی اشعار موسیقی پاپ»، نشریه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، شماره ۲: ۱۵۸-۱۴۱.

نجفی، حسین علی و مهدی آرمیده (۱۳۹۴). نقش عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس در تقویت سرمایه اجتماعی، خبرگزاری پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس،

<http://www.dsrc.ir/View/article.aspx?id=8919>

نیک‌زاده، لایلا (۱۴۰۰). جایگاه دفاع مقدس و جبهه مقاومت در تربیت انسان تمدنی، همایش علمی - پژوهشی فتح الفتوح (۱) با موضوع تعلیم و تربیت تمدنی، شیراز: پژوهشکده و اندیشکده تمدن سازان آرکا.

همشهری آنلاین (۱۳۹۶). دفاع مقدس تمام محاسبات جهان استکبار را بر هم زد،

Hamshahrionline.Ir/X5qhw

یعقوبیان، محمدحسن (۱۳۹۴). «نسبت دین و فرهنگ از منظر استاد مرتضی مطهری»، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۴: ۲۲-۶.

یکتا، حسین (۱۳۹۰). «سبک زندگی؛ زندگی با لباس خاکی؛ نیم‌نگاهی به شرایط امکان زندگی به سبک دوران دفاع مقدس»، سوره اندیشه، شماره ۵۴ و ۵۵.

Barker, c. (2004). **the sage dictionary of cultural studies**. london; thousand oaks, calif.: sage publications.

Beg, j. (1996). **ameliorating effects of sense of humor on trait depression**. unpublished master thesis. university of toronto. www.ndltd.ir. pp. 13-44.

Berry, k. (2004). **the use of humor in counseling**. unpublished master thesis. university of wisconsin-stout. www. ndltd.ir. pp.2-42.

Brake, m. (1985). **comparative youth culture: the sociology of youth culture and subculture in america, britain and canada**, london: routledge.

Cohen, p. (1972). **subcultural conflict and working class community**, birmingham: cccs.

Erickson, s. j. feldstein, s. w. (2006). adolescent humor and its relationship to coping, defense strategies, psychological distress and well-being. **child psychiatry and human development**, 37: 25-271.

Friel, p. e. (2004). **humor in the life of a musical theatre production: a catalyst to reduced stress and enhanced performance**. unpublished phd thesis. cincinnati university. www.ndltd.ir. pp.5-16.

Graham, e. e. (1995). **the involvement of sense of humor in development of social relationship**. communication report. 8: 158-169.

Martin, r, a. puhlike-doris, p. larsen, g. gray, j. & weir, k. (2003). individual difference in uses of humor and their relation to psychological well-being: development of the humor styles questionnaire. **journal of research in personality**, 37: 48-75.

Reff, r. ch. (2006). **developing the humor styles questionnaire-revised: a review of the therapeutic alliance**. unpublished phd thesis. ohio state university. www.ndltd.ir. pp.5-31.